

”

قدرتی عجیب
و ناشناخته
برای بسیاری از
تحلیل‌گران، به
سرعت مقابل آن
وضعیت پیچیده
شکل گرفت و
صف‌آرایی کرد.
قدرتی نشأت گرفته
از اراده جمعی ملت
ایران برای پیشرفت
در مسیر انقلاب
نویای اسلامی‌شان؛
قدرتی مبتنی بر
شعار مترقی «همه
با هم، که امام
خمینی (ره) در
ابتدای پیروزی
انقلاب برای آغاز
به کار نهضت جهاد
سازندگی بیان
فرمودند. قدرت
«جذب، هدایت و
به‌کارگیری نیروها
و امکانات مردمی»
یگانه نقطه قوت
جمهوری اسلامی
ایران در مقابل
ارتش منظم،
آموزش دیده و
با امکانات به روز
بعثی بود

به طوری که چندین بخش مهم و کارآمد از ماشین عظیم دفاعی کشور در طول این هشت سال از طریق جهاد سازندگی ساختارمند شده و به کار افتاده بود. ستادهای پشتیبانی در استان‌ها برای جذب، آموزش و اعزام نیروهای داوطلب، جمع‌آوری و ارسال کمک‌های مردمی از طریق هماهنگی با اصناف و کارخانه‌ها و کامیون‌داران، فراخوان و جذب نیروهای متخصص در رشته‌های مختلف مورد نیاز جنگ، سرکشی و حمایت از خانواده رزمندگان و شهدا، خریداری دستگاه‌های مهندسی و قطعات مورد نیاز آنها از داخل و خارج از کشور و ارسال به خطوط مقدم جبهه، برطرف کردن تمام نیازهای معیشتی و خدماتی رزمندگان خطوط مقدم، انجام امور مهندسی رزمی اعم از خاکریز، سنگر، جاده، پل، دکل دیده‌بانی و... انجام تمامی تعمیرات ماشین‌های سبک و سنگین و... مهم‌ترین بخش‌های ساختار کلی جهاد سازندگی در جنگ بود. باید توجه داشت که صرف عریض و طویل بودن چنین ساختارهایی لزوماً تحسین برانگیز نیست؛ آنچه قابل تحسین، تدقیق و مطالعه است حداقل بروکراسی و حداکثر سرعت تصمیم‌گیری و انجام کار است؛ آن‌هم در نهادهای که هیچ‌گونه مسئولیت رسمی از جانب حاکمیت برای حضور مستقیم در صحنه نبرد بر دوشش گذارده نشده بود. همچنین آموزش حین کار از طریق اجازه بروز خلاقیت و تجربه کردن موقعیت‌های جدید به نیروی تازه وارد و اعتماد به توانایی او، تجربه‌ای همه‌زمانی و همه‌مکانی است که نمی‌توان آن را صرفاً مختص شرایط بحرانی پیش آمده در جنگ دانست. لذا به نظر می‌رسد بحث و بررسی پیرامون نحوه انجام کار جمعی جهادگران و سیر شکل‌گیری ساختارهای متناسب با آن کار جمعی در دفاع مقدس، یکی از ضروری‌ترین فعالیت‌های پژوهشی در حوزه تجربه و راه‌طی شده انقلاب و نیروهای در صحنه آن است. کتاب رسم جهاد ۲ با زیرعنوان «تجربه‌های کار جمعی در پشتیبانی و

فنی داوطلب، هزاران مهندس و پزشک و نیروی متخصص دانشگاهی داوطلب، ده‌ها صنف و کارخانه و کارگاه تولیدی و توزیعی داوطلب، هزاران کارمند و کارگر داوطلب و... داشت که باید به نحوی بهینه کنترل و هدایت می‌شدند تا ماشین رزم عراق را مختل کرده و وجبی از خاک میهن را در چنگ دشمن وانگذارند. هرچند عامل اصلی تدارک چنین سیل خروشان حضرت امام خمینی (ره) بود اما بدون وجود نهادها و سازمان‌های واسط و رابط جمهوری اسلامی با بدنه مردم، تبدیل این حضور عظیم داوطلبانه به قدرتی کارآمد عملاً ناممکن بود. یکی از این نهاد‌های واسط یا شاید مهم‌ترین آنها از نظر تعدد و تکثر شاخه‌های خدمات، جهاد سازندگی بود. جهادی که همان‌طور که از نامش پیداست نهضتی برای سازندگی و آبادانی میهن پس از پیروزی انقلاب بود. اما از روز اول جنگ با حداکثر توان و البته بدون خالی کردن عرصه سازندگی، در جبهه‌های نبرد با دشمن حضور پیدا کرد. سپس از همان ابتدای حضور در میدان، دریافت که جنگ فقط شلیک گلوله نیست و ده‌ها فعالیت پشتیبانی، تدارکاتی، فنی و مهندسی لازم است تا یک نیروی رزمی بتواند به بهترین وجه بجنگد. تجربه یک سال و نیمه جهاد سازندگی در کار با مردم پیش از حمله صدام، سبب شد از همان روزهای آغاز دفاع، سازکار جذب و اعزام نیروهای داوطلب اعزام به جبهه و نیز دریافت، ارسال و توزیع کمک‌های مردمی در مناطق جنگی را به سرعت راه‌اندازی کند. سازکاری که تا انتهای جنگ رشد کرد و بالید؛

